



سراسر ترین پاسخ به این سؤال این است که ما مسئله متفاوتی با آن جوایز داشته‌ایم؛ و آن مسئله، پرداختن به آثار روایت پیشرفت به‌عنوان یک رده مستقل و شناسایی و ارزیابی آثار این حوزه بوده است

می‌شود. جایزه کتاب سال، جایزه ادبی جلال، جایزه دفاع مقدس، جایزه ادبی پروین، جایزه قلم زرین، جایزه لاک‌پشت پرنده، جایزه کتاب تاریخ انقلاب اسلامی، جایزه شهید غنی پور و ... چرا باید کنار این جوایز، جایزه جدیدی راه انداخت؟ سراسر ترین پاسخ به این سؤال این است که ما مسئله متفاوتی با آن جوایز داشته‌ایم؛ و آن مسئله، پرداختن به آثار روایت پیشرفت به‌عنوان یک رده مستقل و شناسایی و ارزیابی آثار این حوزه بوده است. پس از این پاسخ ممکن است سؤال شود که برای حل این مسئله چرا سراغ ابزار جایزه آمده‌اید؟ نمی‌شد کار دیگری بکنید؟ پاسخ این است که ابزار جایزه مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را دارد که آن را برای رسیدن به هدف مذکور مورد توجه می‌کند. یک جایزه کتاب هم باید رصد و شناسایی مناسبی از آثار موضوع مورد نظرش داشته باشد، هم نظام و شاخص ارزیابی برای بررسی آثار و هم ترکیبی از داوران برای ارزیابی کتاب‌ها و به نظر می‌رسد این مجموعه از فعالیت‌ها، ما را به خوبی برای برداشتن گام اول در توجه به کتاب‌های روایت پیشرفت به‌عنوان حوزه‌ای دارای هویت، کمک کند. البته علاوه بر آن ویژگی‌های گفته شده، بهانه جایزه برای برقراری تعامل با نویسندگان، ناشران، داوران و افراد دارای دغدغه و فعالیت در حوزه روایت پیشرفت، شاید مهم‌ترین آورده جایزه برای تیم برگزارکننده بود.

### سه. اولین جایزه کتاب روایت پیشرفت

چند روز پس از نهایی شدن ایده جایزه کتاب و تصمیم به اجرایی کردنش، کرونا به ایران آمد و شد آنچه شد! ما در آن روزها تصویری مبهم از تعداد آثار و فعالان و نویسندگان این حوزه داشتیم. دبیرخانه ماندنی تشکیل دادیم. دبیرخانه‌ای دو نفره که ماه‌ها با جیب خالی کارش را پیگیری می‌کرد. با پرس‌وجو و جست

و جو در بانک‌های اطلاعاتی مختلف به حدود سیصد اثر رسیدیم. از طرفی هنوز برای جمع پنج، شش نفره پایه‌گذار جایزه، چندان روشن نبود که چه کتابی را می‌توان مصداقی از روایت پیشرفت به حساب آورد. پس از بحث‌هایی که کم هم نبودند، به چند شاخص رسیدیم. آن سیصد اثر را با این شاخص‌ها، سنجیدیم، صد تایشان ماندند و آن صد تا دوباره سخت‌گیرانه‌تر بررسی کردیم و چهل و یک اثر باقی ماندند. این کتاب‌ها در چند دسته تخصصی دسته‌بندی شدند. برای هر دسته تخصصی هیئت داورانی سه تا پنج نفره تشکیل شد. شاخص‌های داورى هم چیزى شبیه همان شاخص‌های انتخاب شدند، هرچند ما این شاخص‌ها را پیشنهاد کرده‌ و از داوران خواسته بودیم، آثار را به‌عنوان یک خواننده و به‌طور کلی داورى کنند. داورى‌ها که جمع‌بندی شد، جلساتی برای جمع‌بندی داورى‌ها تشکیل دادیم، جلساتی که برای ماخلی مهم بود. چون هم یکی از ابزارهای جایزه برای ارتباط‌گیری با جمعی از افراد صاحب‌نظر در حوزه فرهنگ بود و هم در آن‌ها در نقد و تحلیل روایت پیشرفت و آثار جایزه‌اش محتوا تولید می‌شد. بارها صبر کردیم که آتش کرونا فروکش کند تا اختتامیه دوره اول را با حضور فعالان و علاقه‌مندان این حوزه برگزار کنیم که نشد و در نهایت بیستم شهریور ۱۴۰۰ اختتامیه دوره اول را در سالنی بزرگ ولی خالی برگزار کردیم. جایی که فقط صحنه آن با تشکیل گفت‌وگوهایی با نویسنده‌های برگزیده در حوزه‌های حکمرانی، علمی-فناوری، دفاعی-امنیتی و فرهنگی-اجتماعی پر شده بود. همچون جلسات داورى، در اختتامیه هم در پی گفت‌وگو درباره روایت پیشرفت و آثار آن بودیم. جایزه اول با همه کم و کسری‌هایش تمام شد و آنچه به بیش از هر چیز دیگری به چشم ناظران مرتبط با موضوع آمده بود، ضعف رسانه‌ای کار بود.

### چهار. دومین جایزه کتاب روایت پیشرفت

با تمام ضعفی که جایزه اول در رسانه‌اش داشت، ولی متولد و دیده شده بود و آن هم در زمانی که حرف از روایت پیشرفت، به دلایل مختلف سر خیلی از زبان‌ها افتاده بود، ولی باز هم خیلی از آن‌ها که باید سراغی از جایزه می‌گرفتند، محلی به آن نگذاشتند. در یکی از بخش‌های جانبی نمایشگاه کتاب ۱۴۰۱ هم برای معرفی کتاب‌های روایت پیشرفت، با همان توان یکی دو نفره، علمی را برپا کردیم و در ده روز نمایشگاه، هم سعی کردیم خط ارتباط‌گیری مان را ادامه دهیم و هم با بارها چرخ زدن در نمایشگاه، آثار روایت

